

کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان محمد آسگران
Tel: 0049 1633458007
E-mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان نسرین رمضانلی
Tel: 00491757377539
E-mail: pramzanali@yahoo.de

ایسکرا

۳۱۲

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

www.iskraa.org

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

چهارشنبه ها منتشر میشود

۱۰ خرداد ۱۳۸۵، ۳۱ مه ۲۰۰۶

abdolgolparian@yahoo.com

سر دبیره: عبدال کلپریان

فراخوان حزب کمونیست کارگری به مردم سراسر ایران در محکومیت جنایات رژیم در شهرهای آذربایجان به میدان بیایید!

نفرت خود علیه جنایات رژیم و کشتار و سرکوب مردم شهرهای آذربایجان را به نمایش بگذارند. علاوه بر این، اعتراض مردم شهرهای آذربایجان علیه توهین و نفرت پراکنی روزنامه "ایران" و ستم فرهنگی و ملی جمهوری صفحه ۲

تظاهر کنند و دستگیری های وسیع همراه بوده است. صرف نظر از هر خواسته و مطالبه ای که مردم داشته باشند این جنایات رژیم بشدت محکوم است و حزب کمونیست کارگری از مردم سراسر ایران دعوت میکند که اعتراض و

طی روزهای گذشته اعتراضات و اجتماعات مردم در شهرهای آذربایجان با سرکوب وحشیانه رژیم اسلامی، استفاده از انواع سلاح های سرد و گرم، به گلوله بستن صفوف مردم، کشتار و مجروح کردن بسیاری از مردم معترض و

قوم پرستان، چرخ پنجم جمهوری اسلامی هستند!



آذربایجان شعله ور شده است. مبارزه مردم در شهرهای آذربایجان و خواست آنها برای رفع ستم و نابرابری و تحقیر و بیحقوقی باید مورد حمایت همه مردم ایران قرار گیرد. جمهوری اسلامی، توسط اوباش سپاهی و بسیجی اش، با قساوت صفحه ۲

مردم آذربایجان علیه نفرت پراکنی قومی روزنامه "ایران"، یکی از ارگانهای حکومت جمهوری اسلامی به اعتراضات گسترده ای دست زده اند. این خشم و نفرت عمیق مردم از ۲۷ سال تبعیض و بیحقوقی است که امروز در

رهبران کمونیست در میان مردم کردستان



ناصر اصغری

به خود جلب کرده است. شاهد بودیم که چگونه جامعه به وجد آمد و توجه جامعه از راست تا چپ به خود جلب کرد. این پروژه توسط کمونیستها به اجرا درآمد و به تبلیغ کمونیسم پرداخته میشد.

مجید حسینی یکی از همین کمونیستها بود که چند نوبت به صفحه ۳

پروژه حضور رهبران کمونیست در میان مردم یکی از پروژه های حزب کمونیست کارگری بوده است. طی سالهای گذشته نیز بارها این پروژه به مرحله اجرا گذاشته شده و رهبران کمونیست با حضور در میان مردم در کردستان و پخش نشریات حزب و تبلیغ سوسیالیسم و افکار کمونیستی توجه جامعه را

"غائله" آذربایجان و حزب کورش مدرسی!



منصور فرزاد

نیازهایش را برطرف می کنند. به غیر از پدر و مادر و یا بزرگسالانی که نیازهایش را تا حدامکان برطرف می کنند و چند بچه همبازی دور و بر کسی را نه میشناسد و اصولا نیازی به شناختن دارد. این است که مردم جایی در دنیای کودک نمیتوانند داشته باشند. دنیای حزب کورش مدرسی نیز به همین درد دچار است. صاف و ساده، مردم در آن جایی ندارند. و اصولا براساس سیاست راست زدوبند از بالا، سیاست تشکیل دولت موقت با عده دیگری از بالا، وینابراین تحلیل سوسیالیسم زود است، مردم و اعتراضاتشان جایی نمیتوانند داشته باشند. صفحه ۴

mansoorfarzad@yahoo.se یکی از شاعران ایران در یکی از شهرهایش میگوید: وقتی من کودک بودم، مردم نبودند..... این برای همه ما تجربه ای ملموس است. دنیای کودک محدود به چند نفری در دور و برش است و از قضا این چند نفر کسانی هستند که

علیه ناسیونالیسم، علیه جمهوری اسلامی!

زبان بودیم. تعرض برحق مردم در آذربایجان، منهای تلاشهای برخی از جریانات ناسیونالیست و هویت تراش، در حد خود اوضاع سیاسی جامعه علیه رژیم اسلامی را آنگونه که هست در برابر چشم همگان عیان کرد. تا جائیکه به نوشته و کاریکاتور این روزنامه مربوط

روزنامه ایران وابسته به رژیم جمهوری اسلامی، طی انتشار کاریکاتور اهانت آمیزش به بخشی از مردم ایران سبب شد تا چهره کریه رژیم اسلامی در برخورد به میلیونها انسان جامعه را بیشتر معرفی کند. در پرتو این مسئله نیز شاهد عکس العمل قاطع و جلی مردم در تبریز و دیگر شهرهای ترک



عبدال کلپریان

تجمع کارگران شاهو در مقابل اداره کار

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

فراخوان حزب . . .

اسلامی کاملاً بحق است و هر فرد آزاده ای باید فعالانه خواهان پایان دادن به هرگونه تبعیض و ستم بر مردم ترک زبان و یا هر بخش دیگری از مردم باشد. واقعیت آنست که مردم تبریز و شهرهای دیگر آذربایجان نیز مانند مردم سایر نقاط ایران از جمهوری اسلامی متفرنند و همان خواسته ها و آرزوهایی را دارند

تظاهرات های روزهای اخیر ناسیونالیسم ترک و تفرقه و کینه قومی را تقویت میکند. سال ۵۷ با حربه مذهب و ناسیونالیسم ضد آمریکایی انقلاب مردم را سر بریدند، اینبار گویی میخواهند با به میدان آوردن ناسیونالیسم قومی و ایجاد تفرقه و کشاکش قومی مبارزه مردم را به شکست بکشانند. ما مصمم هستیم که اجازه چنین سناریوی سیاهی را ندهیم.

جمهوری اسلامی و تفرقه قومی قرار دهند.

نابود باد نفرت پراکنی قومی و ملی و مذهبی!
مرگ بر جمهوری اسلامی!
آزادی، برابری، حکومت کارگری!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

حزب کمونیست کارگری ایران
۴ خرداد ۱۳۸۵، ۲۹ مه ۲۰۰۶

از صفحه ۱

قوم پرستان، چرخ پنجم . . .

تمام به سرکوب مردم آذربایجان دست زده است. تعداد زیادی را کشته و دستگیر کرده است. در مقابل توحش جمهوری اسلامی و نیروهای سرکوبگرش قاطعانه باید ایستاد. از نظر مردم ایران، این جنایات هم به پرونده سنگین جمهوری اسلامی علیه بشریت اضافه میشود. مردم ایران این حکومت را بزیر خواهند کشید و سران این رژیم آدمکش را در مقابل جهانیان به محاکمه خواهند کشید. همزمان با اعتراض به حق مردم آذربایجان، جریانات قوم پرست به تحرك وسیعی دست زده اند. این جریانات تلاش میکنند نفرت مردم

دشمنان مردم آذربایجان هستند. با وقاحت اعلام میکنند نباید شعار علیه خاصه ای و احملی نژاد داد؛ باید فقط شعارهای "ملی" داد. اینها برای راه انداختن يك پاكسازی تمام عیار قومی تلاش میکنند. اینها میخواهند ایران را به یوگسلاوی و عراق تبدیل کنند. اینها میخواهند کشتار قومی راه بیندازند و روی تلی از جنازه مردم به قدرت برسند. تحرك جریانات قوم پرست سد راه مبارزه گسترده و متحد مردم از هر زبان و منطقه برای بزیر کشیدن جمهوری اسلامی است. جریانات قوم پرست چرخ پنجم ارابه زنگ زده جمهوری اسلامی هستند. باید مبارزه علیه فاشیسم اسلامی و فاشیسم قوم پرستانه را همزمان

آزادیخواه، از همه کارگران، زنان و جوانان میخواهد متحدانه به مبارزه برای سرنگونی حکومت اسلامی ادامه داده و اجازه ندهند هیچ باند و فرقه قوم پرستی در مقابل این مبارزه سد ایجاد کند.

نابود باد نفرت پراکنی قومی و ملی و مذهبی!
مرگ بر جمهوری اسلامی!

آزادی، برابری، حکومت کارگری!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

حزب کمونیست کارگری ایران
۸ خرداد ۱۳۸۵، ۲۹ مه ۲۰۰۶

تجمع کارگران شاهو . . .

کارگران شاهو در سنندج بعد از يك دوره مبارزه پیگیر، کارفرما و دولت را به عقب راندند. چنانچه کارفرما ناچار شد تا آخر سال ۱۳۸۴ حقوق همه کارگران را پرداخت کند. کارخانه شاهو به دلیل کارشکنی کارفرما هنوز تعطیل است.

بر اساس گزارشی که به کمیته کردستان حزب رسیده است از اول سال ۱۳۸۵ حقوق کارگران پرداخت نشده بود. کارگران در اعتراض به پرداخت نشدن حقوقهایشان در مقابل دفتر کارفرما تجمع کردند. کارفرما در مقابل کارگران متعهد شد که حقوقها را در اولین فرصت پرداخت نماید. چند روز قبل که قرار بود حقوقها پرداخت شود کارفرما اعلام کرد که حقوق ۲۴ نفر از کارگران را پرداخت نمیکند، اما

بیمه فروردین ماه را هم پرداخت نمیکند. به این ترتیب کارفرما کارگران شاهو را به سه دسته تقسیم کرده است.

تعدادی تا آخر فروردین حقوق دریافت کرده اند. تعدادی حقوق نمیگیرند اما تا آخر فروردین بیمه هایشان رد میشود. تعداد دیگری از کارگران از اول سال ۸۵ از همه حقوق و مزایای خود محروم شده اند. در پایان این سیاست تفرقه افکنانه کارفرما اعلام کرده است که از اول اردیبهشت به هیچکدام از کارگران حقوقی پرداخت نمیکند و باید بیمه بیکاری تقاضا کنند. این سیاست تفرقه افکنانه مورد اعتراض کارگران شاهو قرار گرفته است.

کارگران شاهو در مقابل این زورگویی آشکار در مجمع عمومی خود تصمیم گرفتند که نامه ای خطاب به اداره کار، اطلاعات و

در شرایط کنونی تنها راه مقابله موثر با این جنایات رژیم و خطر تفرقه و کشمکش قومی این است که مردم سراسر ایران فعالانه در حمایت از مردم شهرهای آذربایجان و در محکومیت رژیم و ناسیونالیسم به میدان بیایند و با شعار مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد آزادی و برابری، نابود باد هرگونه ستم و تفرقه و نفرت قومی و مذهبی، صفی متحد را در برابر

پیش برد. فاشیسم و نژادپرستی و قوم پرستی و بی حرمتی توسط هر بانای علیه هر بخشی از مردم محکوم است. باید قاطعانه و گسترده مبارزه علیه حکومت اسلامی را ادامه داد. همچنین باید قاطعانه و گسترده علیه جریانات قوم پرست که میخواهند این مبارزه را با سموم نژادپرستانه تخریب کنند ایستاد.

مردم آزادی میخواهند. برابری میخواهند. رفاه میخواهند. زندگی بدون تبعیض و تحقیر میخواهند. مردم جامعه ای میخواهند که در آن حق و آزادی و برابری هیچ انسانی به نام مذهب و جنسیت و نژاد و قومیت پایمال نشود. حزب کمونیست کارگری از همه مردم

نیروی انتظامی بنویسند. در این نامه کارگران اعلام کرده اند اگر تا روز شنبه، ۶ خرداد ماه تمام حقوق و مزایای آنها از اول سال ۸۵ تا کنون پرداخت نشود، در مقابل اداره کار همراه با خانواده هایشان تجمع خواهند کرد. کارگران همچنین خواهان لغو تصمیمات ضد کارگری کارفرما در مورد همه کارگران شاهو هستند.

کمیته کردستان حزب کمونیست



کارگری کارگران شاهو را به اتحاد و همبستگی در مقابل کارفرما و دولت فرامیخواند. ما همه کارگران و مردم را فرامیخوانیم که از مطالبات کارگران شاهو حمایت کنند. این تعرض ضد کارگری کارفرما و دولت به کارگران را باید به عقب راند.

کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
۴ خرداد ۱۳۸۵
۲۹ مه ۲۰۰۶

از صفحه ۱ رهبران کمونیست ...

کردستان رفت و همین پروژه‌ها را به طور موفق اجرا کرد. ایشان اما در جریان جدائی‌ها از حزب کمونیست کارگری همراه عده‌ای دیگر رفتند و حزب دیگری را تشکیل دادند. وی متن سخنرانی اش در پلنوم سوم حزبشان را در نشریه "کمونیست ماهانه" شماره ۶ درج کرده که به نکاتی در همین رابطه اشاره کرده و ظاهراً دنباله یکسری جواب به ناکامی هایشان می‌گردد.

به نظر میرسد که دنباله جوابی می‌گردد که چرا بعد از جدائی‌ها ظاهر شدنش در میان مردم باعث این به وجد آمدن نشده و منعکس هم نگردیده است. می‌گوید: "برای اینکه نظرم را روشن کنم از اینجا شروع می‌کنم، در دوره انتخابات ریاست جمهوری اسلامی در هیچ دوره ای حتی در زمان منصور حکمت حزب ما به اندازه این دوره فعال و میلانان نبوده و به این شکل نرفت توی دل جمهوری اسلامی. ولی

بورژوازی می‌گوید غلط کردی. کمونیسم از هر زمان دیگری واجبت شده است! در روز روشن، با وجود حضور دهها هزار نیروی سرکوبگر در بین مردم ظاهر می‌شود و می‌گوید که باید انقلاب کرد. روی آوری به افکار چپ را در جامعه می‌بیند. و غیره. معلوم است که جامعه با دیدن یک چنین حزبی به وجد خواهد آمد. اما مجید حسینی دنبال تئوریهایی کسانی رفت که به صراحت می‌گفت "سوسیالیسم مردم را رم میدهد." می‌گفت که "جامعه راست شده است." با صراحت در حضور دهها رهبر کمونیست گفت که میخواهند با تئوریهای همین رژیم (حجاریان) در آینده دولت تشکیل بدهند و حتی اگر در دولت هم راه داده نشدند، از مردم خواهند خواست که این حکومت را سرنگون نکنند! معلوم است که این سیاستها مردم را به وجد نخواهد آورد.

مجدید حسینی انتظار دارد با همین ترها در میان مردم ظاهر شود و باعث به وجد آمدن مردم هم جریانات در ایجاد شکاف در میان جامعه، می‌تواند این امکان را فراهم سازد که رژیم جمهوری اسلامی از این شکافها و در به جان هم انداختن مردم، به تداوم عمر ننگین خود ادامه دهد. قوم پرستی و برتری نژادی ناسیونالیستها و تاریخ ۲۸ ساله جنایات رژیم اسلامی، هر کدام دو روی یک سکه اند که باید مردم در مقابل آن بایستاد و نگذارند سرنوشت مردم یوگسلاوی را در ایران تکرار کنند.

همبستگی مردم شهرهای بخش شمالی کردستان با مردم آذربایجان پشتیبانی دانشجویان در تهران و غیره، پاسخ کوبنده‌ای به جمهوری اسلامی و برخی جریانات قوم پرست ترک بود. این همبستگی نمونه بسار روشنی از یک همسرنوشتی اجتماعی است که ابعادی بمراتب وسیع تر را می‌تواند در سطح سراسری و علیه جمهوری اسلامی از خود به نمایش بگذارد که هیچگونه مرز ملی و قومی را برسمیت نمی‌شناسد اما کافی نیست و جا دارد مردم سایر نقاط مستخلف کشور از اعتراض و نارضایتی مردم آذربایجان پشتیبانی وسیع تری را بعمل آورند. تلاش و

شود. ایشان دیگر يك "رهبر کمونیست" نیست که در میان مردم ظاهر شده است. موضوع حضور رهبران کمونیست بود! نه مبلغین فرار از سوسیالیسم.

اگر مجید حسینی با حضورش بترسد از سوسیالیسم حرف بزند، با این نگرش که جامعه راست است و کسی دیگر دنبال افکار کمونیستی نمی‌افتد، هر اعتراضی را به بهانه های مختلف واهی تخطئه کند و ... فرقی با رهبران راست در جامعه چیزی نیست که کسی را به وجد بیاورد. هم اکنون در کردستان پوڤا را داریم که میلیتانت تر از مجید حسینی است و برای خودش رهبر دارد، بهها ادب را داریم که شناخته شده تر از مجید حسینی است، "زحمکشانی" داریم که با سابقه تر از مجید حسینی هستند. اینها تقریباً همه حرفهای حزب مجید حسینی را میزنند؛ همه می‌گویند: "مردم آترناتیو کمونیسم را نمی‌خواهند."

امروز حزب مجید حسینی

اعتراضات چپ جامعه را نمی‌خواهد ببیند. آن را تخطئه می‌کند. در جریان اعتراضات کارگران شرکت واحد، مشغول جابجائی کلاشینکف بودند.

چپ جامعه در اعتراضات کارگری، دانشجویی، زنان و غیره را نمی‌بیند. اگر اعتراضی به جمهوری اسلامی شد و دو نفر هم شعارهای قومی دادند و خواستند به آن رنگ و روی قومی بدهند، تنها عکس العملی که این حزب از خود نشان میدهد، پرهیز از حضور در این اعتراضات است. به بهانه هایی چون هخا، قوم پرستان آذری و کرد، محبوب و خانه کارگر و غیره مردم را از اعتراض به جمهوری اسلامی برحذر میدارند. و درست از سر همین پرت و پلا گوئی هاست که حضور مجید حسینی دیگر در جامعه حضور يك رهبر کمونیست را تداعی نمی‌کند و کسی را به وجد نمی‌آورد.

۲۹ ۴۰۰۶

از صفحه ۱ علیه ناسیونالیسم، ...

است باید گفت که این همان فرهنگی است که رژیمهای سلطنت و اسلامی هر دو در توهین و تحقیر بخشهای جامعه و منتسب به ملیتهای مختلف، از هیچ تعرضی به حقوق مردم دریغ نکرده اند. اقدام روزنامه ایران يك حرکت مستهجن علیه مردم است و باید محکوم شود. در پس این ماجرا و بدنبال اعتراض وسیع و گسترده دهها هزار نفره مردم در تبریز و شهرهای ترک زبان آذربایجان، تا حلی شاهد جنب و جوش جریانات قوم پرست و ناسیونالیست بودیم که می‌خواستند بر بستر اعتراض برحق مردم، قوم پرستی و برتری ملی و نژادی را باد بزنند. اما واقعیت امر چیز دیگری از آب در آمد که مبنایی عمیق تر و پایه ای تری از آنچه که جریانات ناسیونالیسم ترک و آذری می‌خواستند در بوق کنند، از خود نشان داد.

هنوز بساط قوم پرستی این ویروس خفته پهن نشده بود که صدای اعتراض مردم در آذربایجان و در ارتباط با قضیه کاریکاتور ها، خود رژیم جمهوری اسلامی را

جمهوری اسلامی از يك سو و باندهای مختلف قوم پرست از سوی دیگر، به مردم تحمیل کرده و می‌کنند، چه فجایعی تاریخی و جبران ناپذیری می‌تواند بوقوع بپیوندد. و اما چند کلمه ای در مورد حاشیه نشینان چپ. کاملاً دور از انتظار نبود که جریان انشعابی از حزب کمونیست کارگری بنا به عادت همیشگی اش که از افقش مایه می‌گیرد، مردم را به خانه نشینی دعوت کند. این جریان در مقالات و اطلاعاتی های بلند بالایشان از مردم خواستند که نسبت به اعتراضات مردم در آذربایجان کاری نداشته باشند. شاهکار این حزب و در مقابل حرکتی که جمهوری اسلامی را به لرزه درآورد، تنها به کاریکاتوریستها (که انحراف اذهان عمومی از فضای اعتراضی موجود است)، محدود ماند. البته چنانکه گفته شد این سیاست دور از انتظار نبوده و نیست. این جریان یکبار دیگر سکوت، ناتوانی و عدم تاثیر گذاری خود را بر هر گونه فعل و انفعالی در جامعه همچون همیشه، به اثبات رساند.

۳۱ ۴۰۰۶

ازصفحه ۱

" غائله " آذربایجان و . . .

اما از بخت بد حزب کورش مدرسی، از روزی هم که اینها از موضع راست از حزب کمونیست کارگری ایران جدا شدند، مردم، کارگران و دانشجویان و عموم مردم زحمتکش عاصی از حکومت اسلامی سرمایه به اشکال و ابعاد مختلف در صحنه بوده اند. فریاد سوسیالیزم پیاخیز برای رفع تبعیض سر داده اند و به دولت سرمایه دار شرمت باد گفته اند. اول ماه مه های تاریخی و قطعنامه های سوسیالیستی صادر کرده اند، در هشت مارسها نه فقط رژیم بلکه نظام سرمایه داری را به چلنج کشیده اند. دانشگاهها را با آزادی و برابری رنگین کرده اند و و خلاصه عملا و با قدمهایشان، اعتصاباتشان، میتینگها و قطعنامه هایشان راست بودن سیاستها و بیبریطی این جماعت را بیش از پیش برملا کردند. حزب کورش مدرسی همه این وقایع " تلخ " را میدید و ناخن میچوید. قرار بود که راست دست بالا را داشته باشد، قرار بود که پیشرفت جنبش کمونیسم کارگری " ساخته و پرداخته اغراق امیز حزب کمونیست کارگری " باشد. پس چه شد؟ خارج از حزبشان که هیچ، پاسخ اعضایشان را چه باید میدادند و امروز چه باید بدهند؟

پاسخ شان روشن بوده و هست . این مردمی که میبینید همگی هخا نشان و الاهواز زده و ناسیونالیست و عقب مانده اند. در این اعتراضها نباید شرکت کرد. اصولا ما در " شلوغی " که شرکت نمی کنیم؟! عجب!

شاهکار جدیدشان موضع به غایت راست در قبال اعتراضات مردم در آذربایجان است. يك روزنامه رژیم اسلامی کاریکاتور و مطالب بغایت مستهجن و راسیستی بر علیه مردم ترك زبان چاپ می کند و بدنبالش اعتراضات وسیعی از طرف این مردم براه می

افتد. مردمی که حزب کورش مدرسی همگی را یکدست و چکی مرتجع و ناسیونالیست قوم پرست میخواند. در این میان جریانات قوم پرست نیز، برخلاف حزب آقای مدرسی که مردم را به خانه نشینی و انفعال دعوت می کند، تمام تلاششان را می کنند تا با نفرت پراکنی قومی و جلوگیری از رادیکالیزه شدن مبارزات مردم علیه جمهوری اسلامی، این اعتراضات را منحرف کنند.

اینها با شنیدن شعارهای قوم پرستانه خود بخود تصمیم میگیرند که با اخ و تف کردن و ارتجاعی ارتجاعی خواندن این اعتراضات، دو دستی کبل حرکت را بدست مرتجعین فاشیست قوم پرست آذری بسپارند. نمیتوانند و بهتر بگویم نمیخواهند زمینه های این اعتراضات و وجود گرایشات مختلف در این اعتراضات و کلا برحق بودن اعتراض به راسیسم را ببینند. اولین سئوالی که از طرف جامعه در مقابلشان قرار میگيرد این است که چرا؟ چگونه است که سازمانی که نام کمونیسم کارگری را به پدک میکشد، در مقابل اعتراضات مردم رو ترش می کند؟ پس دخالتگری چه شد؟

پاسخ روشن استگفته میشود این جنبش ما نیست و ما باید در جنبش خودمان شرکت کنیم. آقای مدرسی! جنبش خودمان از آسمان نیبارد و اساسا هیچگاه کمونیستها منتظر شکلگیری جنبش خودشان ننشسته اند. طبعاً هر جریانی تلاش می کند که اعتراضات را به نفع خود سمت و سو دهد. فاشیستهای آذری با تمام قدرت میخواهند که جامعه را به سناریوی سیاه بکشانند. در مقابل چشمانتان جریانی را میبینید که میخواهد جنگ ترك و فارس راه بیندازد و اگر رویدادها طبق مراد آنها پیش رود هزاران نفر را بکام مرگ میکشاند. میتوان و باید در

مقابل این سناریو ایستاد. اما حزب کورش مدرسی که گویا آرزویش رهبری تمام و کمال جریانات قومپرست بر حرکات مردم است و آنرا مختوم فرض کرده، مردم را به نظاره گری این سناریوی سیاه دعوت میکند. گویا ظاهرا قرار است روزی انقلاب کارگری خودش شکل بگیرد و آنگاه کارگران و مردم دعوت نامه برای حزب اینها بفرستند که دیگر بیاید و ما را، رهبری، کنید.

مردم جان به لب رسیده با هزار زبان مستقیم و غیر مستقیم و هر روزه نفرشان را از جمهوری اسلامی، از فقر و فلاکت و بدبختی نشان میدهند. کارگران در اعتصابند. جامعه در اعتراض میجویشد. وظیفه يك حزب کمونیستی مدعی قدرت سیاسی، رهبری این اعتراضات، سمت و سوادان به آن، دادن جهت و افق سوسیالیستی به مبارزات موجود، افشا و مبارزه بی امان با گرایشات انحرافی و ضدانسانی که قصد منحرف کردن مبارزات مردم را دارند و سازماندهی انقلاب کارگری است. این آموزشی است که عضو يك روزه حزب کمونیست کارگری و فعال جنبش کمونیستی کارگری برآن واقف است. این امر چگونه ممکن است؟ جز با دخالتگری فعال؟ جز با حمایت از اعتراضات برحق و سمت و سوادان رادیکال و سوسیالیستی به آن؟ جز با مبارزه بیرحمانه علیه گرایشات ضد انسانی و ضد سوسیالیستی موجود در این اعتراضات؟ جز با رهنمود و سازماندهی صحیح این اعتراضات؟

پاسخ مثبت است و این امری است که سالهاست حزب کمونیست کارگری براساس آموزشهای منصور حکمت بدان مشغول است. اما جریان منشعب، حزب کورش مدرسی راه دیگری را میبرد. اگر منصور حکمت با این متد که بر سیاست و تحلیلهای بغایت راست

کورش مدرسی استوار است حرکت میکرد، امروز جامعه ایران شاهد حضور حزب کمونیست کارگری ایران نبود. با این متد راست و تزه های مشعشع اینها، بدلیل وجود گرایش ناسیونالیستی متحزب در کردستان و بخصوص وجود گرایش ناسیونالیستی در کومه له آن زمان (که از ابتدا منصور حکمت بر وجودش واقف بود) میبایست منصور حکمت عطای تشکیل حزب کمونیست ایران با کومه له را به لقایش میبخشید. و بدلیل وجود حزب دمکرات و گرایشات ناسیونالیستی در جامعه کردستان، چوب تکفیر " ارتجاعی، ارتجاعی " بر سر مردم کردستان میکوفت و از شرکت و دخالت در مبارزات آن دوران خودداری میکرد. باید بطریقه امروز حزب کورش مدرسی در قبال سرکوب وحشیانه مردم کردستان، بدلیل اینکه بخشی از سرکوب شدگان حزب دمکراتی بودند، سکوت میکرد و می بایست وجود ستم ملی و اعتراضات به حق مردم کردستان به این ستم را نادیده میگرفت. و نه فقط همه اینها، بلکه مانند حزب کورش مدرسی دسته گل دیگری هم به آب میداد و آنها هم دفاع از آزادی بیان سرکوبگران جمهوری اسلامی در بیان اراجیف علیه مردم کردستان بود.

اینها با دفاع از آزادی بیان حکومت در قبال مردم، راه رفتنه حزب توده و امثال راه کارگر در ماجرای کنفرانس برلین را دوباره میپیمایند. يك روزنامه حکومتی علیه بخشی از مردم که به زبان ترکی تکلم میکنند مزخرفات توهین امیز راسیستی منتشر میکند، و دوستان سابق ما برایشان و برای آزادی بیانشان سینه میزنند!! دوستان سابق انحطاط تا کجا؟

باتمام قسم هایی که میخورند، در تانك تانك مواضعشان دم خروس بی بریطیشان به منصور حکمت و آموزشهایش عیان است. یکی از آثار ارزشمند وی برنامه حزب کمونیست کارگری است که اینها

ادعای پذیرش آن را دارند. در این برنامه همچنین بصراحت آمده که، نفرت پراکنی قومی و نژادی و مذهبی ممنوع و جرم است. از طرف هر نهاد و فرد و جریانی که باشد.

حزب کورش مدرسی این جا هم برنامه را زیر پا میگذارد و اعلام میکند " نخیر، توهین و براه انداختن تبلیغات مسموم و نفرت پراکنی قومی نه تنها اشکالی ندارد بلکه اصولاً بخشی از آزادی بیان است!!!! ". مهم مردم معترضی که کرور کرور دستگیر شده اند و کشته داده اند نیست، بلکه آزادی بیان روزنامه نگاری است که اینچنین به تبلیغات کثیف راسیستی دست زده است باید فوراً آزاد شود!.

برای شاعر ما در دوران کودکی مردم جایی ندارند، و برای جریانی مانند حزب آقای مدرسی هم، مردم نباید جایی داشته باشند. زیرا هر روز و هر ساعت با اعتراضاتشان و تلاششان برای يك زندگی بهتر، کل سیستم و دستگاه تحلیلی اینها را بهم زده و زیر و رو می کنند.

رفقای سابق، خیال خود و بقیه را راحت کنید و نام بیربطتان را عوض کنید. کمونیسم کارگری ربطی به شما ندارد.

حزب کمونیست کارگری ایران در مقابل رویدادهای آذربایجان شدیداً احساس مسئولیت میکند و با تمام قدرت و با استفاده از تمام امکانات خود تلاش میکند که همراه و در جهت اعتراض بحق مردم ایران و بویژه مردم آذربایجان بر علیه لجن پراکنی روزنامه دولتی بر علیه مردم ترك زبان، همزمان حرکت فاشیستهای ترك و دولت جمهوری اسلامی را مداوماً افشا و محکوم کند. ما از تمام مردم آزاده و شریف ایران میخواهیم که بهر وسیله ای که میتوانند با ابراز اتحاد و هم سرنوشتی خود، مشت محکمی به دهان جریانات قوم پرست و رژیم جنایتکار اسلامی بزنند.

۲۹ ۴۰۰۶

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!